



بررسی ابعاد اعتدال با شاخص اسلام ناب محمدی

شاخص اعتدال امام است نه کس دیگر!

ویژه‌نامه سالروز رحلت حضرت روح‌الله

بسج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۱۴ خردادماه سال ۱۳۹۳ منزل بیست و هشتم

موریانه‌های کاخ سلیمان!

پاسخی برای آنان که به دنبال تحریف در بیان اندیشه خمینی کبیر هستند

سی و پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد؛ در این سال‌ها با چشمان خودمان فتح قله‌های متعدد را دیده‌ایم. پیروزی‌های این سال‌ها آن قدر شیرین و مکرر بوده‌اند که سختی‌ها و فشارها را کم‌اهمیت نشان داده‌اند. اصلاً بدیهی است که فتح قله‌های بلند، بدون سختی و مشقت امکان‌پذیر نیست. ما در طول این سی و چند سال در هم شکستن ابرقدرت شرق را دیده‌ایم؛ در جنگ جهانی سوم علیه نظام اسلامی پیروز شده‌ایم، سقوط حکومت‌های وابسته به اردوگاه غرب را یکی پس از دیگری مشاهده کرده‌ایم؛ چنگ و دندان اسرائیل را در منطقه خرد کرده‌ایم؛ هیمنه پوشالین ناوها و پهبادهای امریکایی را به سخره گرفته‌ایم؛ پیشرفت‌های علمی‌مان را جشن گرفته‌ایم؛ آپولو هوا کرده‌ایم، سلول‌های بنیادین و انرژی هسته‌ای و نانوتکنولوژی و هزاران فتح دیگر داشته‌ایم. از همه مهم‌تر این که اعتماد به نفس ملی و اسلامی‌مان را ارتقا داده‌ایم و از پنجه انداختن در پنجه‌های قدرت‌های بزرگ واهمه‌ای نداشته‌ایم! چنگ و دندان اسرائیل را در منطقه خرد کرده‌ایم؛ هیمنه پوشالین ناوها و پهبادهای امریکایی را به سخره گرفته‌ایم؛ پیشرفت‌های علمی‌مان را جشن گرفته‌ایم؛ آپولو هوا کرده‌ایم، سلول‌های بنیادین و انرژی هسته‌ای و نانوتکنولوژی و هزاران فتح دیگر داشته‌ایم. از همه مهم‌تر این که اعتماد به نفس ملی و اسلامی‌مان را ارتقا داده‌ایم و از پنجه انداختن در پنجه‌های قدرت‌های بزرگ واهمه‌ای نداریم و یقین پیدا کرده‌ایم که «کار نشد ندارد» و «اسلام پیروز است»

«ادامه در صفحه ۴»

اندام مستکبرین می‌اندازد و امید را در دل مستضعفین زنده می‌کند.

اعتدال امام به گونه‌ای است که قلم‌هایی که نقد سازنده می‌کنند را تشویق می‌کند اما قلم‌هایی که مبانی انقلاب را هدف گرفته باشند می‌شکنند.

اعتدال امام با روحیه‌ی شهادت‌طلبی و آمادگی برای هزینه دادن برای رسیدن به اهداف سازگاری دارد و با شکم‌پرستی و ترس از کوچک‌ترین هزینه‌ها دشمن است.

اعتدال امام طوری است که در آن مردم را به بهشت سوق می‌دهد، نه این که درهای جهنم را یکی پس از دیگری به روی مردم بگشاید.

اعتدال امام با مذاکره‌ی عادلانه موافق است اما زیر بار مذاکرات یک‌طرفه و دستوری از طرف مستکبرین نمی‌رود.

اعتدال امام به گونه‌ای است که اسوه‌های آن پیغمبر اکرم و امیرالمومنین و حضرت زهرا هستند نه این که شخصیت‌های پوشالی را به عنوان الگو معرفی کند.

و در یک کلام اعتدال امام به گونه‌ای است که در آن احکام سعادت بخش اسلام اجرا می‌شود نه این که هر روز یکی از آن احکام الهی را به بهانه‌ای زیر سوال ببرند.

پس اعتدال حقیقی، به معنی کوتاه آمدن در برابر زورگویان و ابرقدرت‌ها نیست. به معنی ساکت ماندن در برابر ابرقدرت‌ها نیست. به معنی ساکت ماندن در برابر همه‌های فرهنگی نیست. به معنی آزادی دادن به سرمایه‌داران برای هر چه بیشتر کردن ثروت خود نیست و در یک کلام، اعتدال به معنی «حرکت بین حق و باطل» و «یکی به نعل بزن و یکی به میخ» نیست!

و ای کاش اعتدال، اعتدال بود!

است و گرنه خیر. اگر اصلاح‌طلبی به معنای اصلاح اشکالات جامعه‌ی ما که از فاصله گرفتن از اسلام ناب نشأت گرفته است باشد با ارزش است و گرنه خیر. امروز هم اعتدال. اگر اعتدال به معنی حرکت بر روی خط این شاخص باشد با ارزش است و گرنه هیچ ارزشی ندارد.

امام معتدل ترین الگو برای ماست. چون افکار و احساسات و اعمالش همگی بر مبنای شاخص بود. و شاخص ما «اسلام ناب محمدی» است. اگر راهی غیر از راه امام را می‌رویم باید بدانیم که یا دچار افراط شده‌ایم یا تفریط

با این مبنا، امام معتدل ترین الگو برای ماست. چون افکار و احساسات و اعمالش همگی بر مبنای شاخص بود. پس اگر راهی غیر از راه امام را می‌رویم باید بدانیم که یا دچار افراط شده‌ایم یا تفریط. هر چند که شعار پیروی از خط امام سر بدهیم.

اعتدال حقیقی، به معنی کوتاه آمدن در برابر زورگویان و ابرقدرت‌ها نیست. به معنی ساکت ماندن در برابر همه‌های فرهنگی نیست. به معنی آزادی دادن به سرمایه‌داران برای هر چه بیشتر کردن ثروت خود نیست و در یک کلام، اعتدال به معنی «حرکت بین حق و باطل» و «یکی به نعل بزن و یکی به میخ» نیست!

حال باید دید مگر اعتدال از نظر امام چگونه است که با اعتدال از نظر دیگران متفاوت است؟

اعتدال امام به گونه‌ای است که لرزه بر

«اصول‌گرایی»، «اصلاح‌طلبی»، «اعتدال» و امثال این اسم‌ها و مفاهیم، وقتی اولین بار به گوش انسان می‌خورد، بار معنایی خوب و مثبتی دارد و به ظاهر نباید بین هیچ کدام از این‌ها اختلافی باشد. چون یکی می‌گوید که باید بر اصول تکیه کرد، دیگری می‌گوید که باید وضع موجود را اصلاح کرد و اصلاح با تکیه بر اصول انجام می‌شود و سومی می‌گوید باید راه اعتدال را در پیش گرفت. اعتدال هم به معنی روی خط شاخص حرکت کردن است. نه افراط و نه تفریط و این دقیقاً به معنی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی به معنای حقیقی است.

اما چرا این همه اختلاف بین این جریان‌های فکری و سیاسی وجود دارد؟ به طوری که اصلاً تصور این که این گروه‌ها با هم متحد شوند هم به ذهن نمی‌آید! علت این است که همه از این مفاهیم زیبا و درست استفاده می‌کنند اما شاخص‌هایشان زمین تا آسمان با هم فرق می‌کند. وقتی به شاخص‌های مد نظر آن‌ها توجه کنیم، تازه می‌فهمیم که ریشه‌ی این همه اختلاف در کجا بوده است.

ارزش‌گذاری ما هم باید بر اساس همان شاخص انجام گیرد. اگر از یک گروه طرفداری می‌کنیم یا با گروه دیگر مخالفت داریم، این طرفداری یا مخالفت باید بر مبنای شاخص باشد. شاخص ما نباید منافع حزبی و گروهی و فردی باشد، بلکه تنها با شاخص صحیح باید حرکت کنیم.

تنها شاخص مورد قبول و ارزشمند، «اسلام ناب محمدی» است که تجلی آن در عصر ما که کسی نبود جز «روح الله موسوی خمینی». اگر اصول‌گرایی به معنای اعتقاد و عمل بر اساس این شاخص است با ارزش



امام را درست نویسم

گاه گذاری به سراغ تو می‌آیم به سراغ خودت نه به سراغ کلامت. خودت را در میان نداریم و ساهاست رحیق شرا با طهورای الهی را سرکشیده‌ای و به بانگ ارجعی الی ربک پروردگارت لبیک گفته‌ای. کلامت را در میان بیست و یک جلد صحیفه‌ها می‌جویم. کلامت را برای خواسته‌ها گلچین می‌کنم و اگر خیلی همت داشته باشم یک باری صفحات مکتوب به یادگار مانده‌ی کلام و نامه‌هایت را تورقی خواهم زد. باز به دلم نمی‌چسبد. مشکل کجاست که من تو را نمی‌فهمم؟ نمی‌فهمم مردم مستضعف کشورم چه در کلام پیرمرد یافته بودند که نه تنها پول‌شان و نه تنها جان‌شان، بلکه فرزندان‌شان را برای فرمان تو قربانی کردند. بگذریم از گریه‌های پیرزنی که آرزو می‌کرد تا نه یک پسر دیگر، نه دو بلکه ده پسر برای تو و هدف تو راهی قربانگاه کند. برایم حل نشد و نگرتم، تلویزیون را می‌گویم نه تلویزیون؛ بلکه پخش سخنرانی‌هایت را می‌گویم و هنوز راز و رمز گریه‌های مردمی که عاشقانه به سخنان تو گوش می‌دادند برایم کشف نشد. البته این بچه مدرسه‌ای‌ها دیگر آن تصاویر را نمی‌بینند احتمالاً کارکنان و دانش آموختگان جدید دانشکده صدا و سیما هم مثل من نمی‌فهمند. نمی‌فهمند سیدی با عمامه مشکی و کلام لهجه‌دارش چه دارد بگوید و اصلاً چرا ساعات مخاطب برنامه‌هایمان را به جای پخش سریال لوده‌ی خوش نشین‌ها به پخش فیلم‌های کم کیفیت دهه‌ی پنجاه، شصت او اختصاص دهند!

خودمانیم چقدر تند بودی. اصلاً با آرامش میانه‌ای نداشتی همه‌اش، اهل قیام بودی و مبارزه. «برادران این نهضت را حفظ کنید، مستقیم باشید إنما اعظمک بواحد آن تقوموا لله. یک، فقط یک موعظه خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرمصلی الله علیه و آله به شما کرده این که نهضت کنید و برای خدا نهضت کنید.»

نه تنها خود مبارز و مجاهد بودی ما بقی را هم مدام تحریک می‌کردی مسلمین را دعوت به قیام کردی ملت عراق، مصر را به خیزش دعوت نمودی و حتی علمای مسیحیت را هم از قلم نینداختی «هان ای پدران کلیسا به پاخیزید و عیسی مسیح را از چنگال این دژخیمان نجات دهید که آن پیامبر بزرگ از ستمگری که دین را وسیله ظلم و دعا را وسیله رسیدن به مسند ستمگری به بندگان خدا قرار می‌دهد بیزار است»

به مستضعفین پا برهنه نیز رحم نکردی! «مستعین باید قیام کنند. مستضعفین همه بلاد، همه ممالک باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند، منتظر نباشند که آنها حق آنان را بدهند. مستکبرین نخواهند داد حق کسی را»

حیف که در میان ما نیستی و الا شورای امنیت ظالمین! نمره زدن نظم و ثبات دهکده‌ی جهانی از زمین اخراج می‌کردند. امام خمینی رحمت الله علیه را من نفهمیدم دوستان من هم نفهمیده اند. من دانسته‌ام که امام جامع الاطراف بود. امام فقط بیست و یک جلد صحیفه نبود، چهل حدیث هم داشت، جهاد اکبر و ولایت فقیه و تحریرالوسیله هم داشت. امام فقط حرف نمی‌زد و شعار نمی‌داد اگر می‌گفت خودش یا قبلاً عمل کرده بود یا پیشاپیش همه عمل می‌کرد. مثلاً گفت و زندانی شد. گفت و تبعید شد، اخراج شد. گفت و پدر شهید شد. اما گریه نکرد. جزع و فزع نکرد. اهل صبر بود و سخت. امام ما سیره داشت. سبک داشت، شاخص داشت. امام آغازگر عصری بود که به نامش رقم خورد. «عصر خمینی». بعدها در مورد این عصر خواهند نوشت و باز هم یقین دارم که نسل‌های آینده هم نخواهند توانست که بفهمند، خمینی رحمت‌الله‌علیه را...

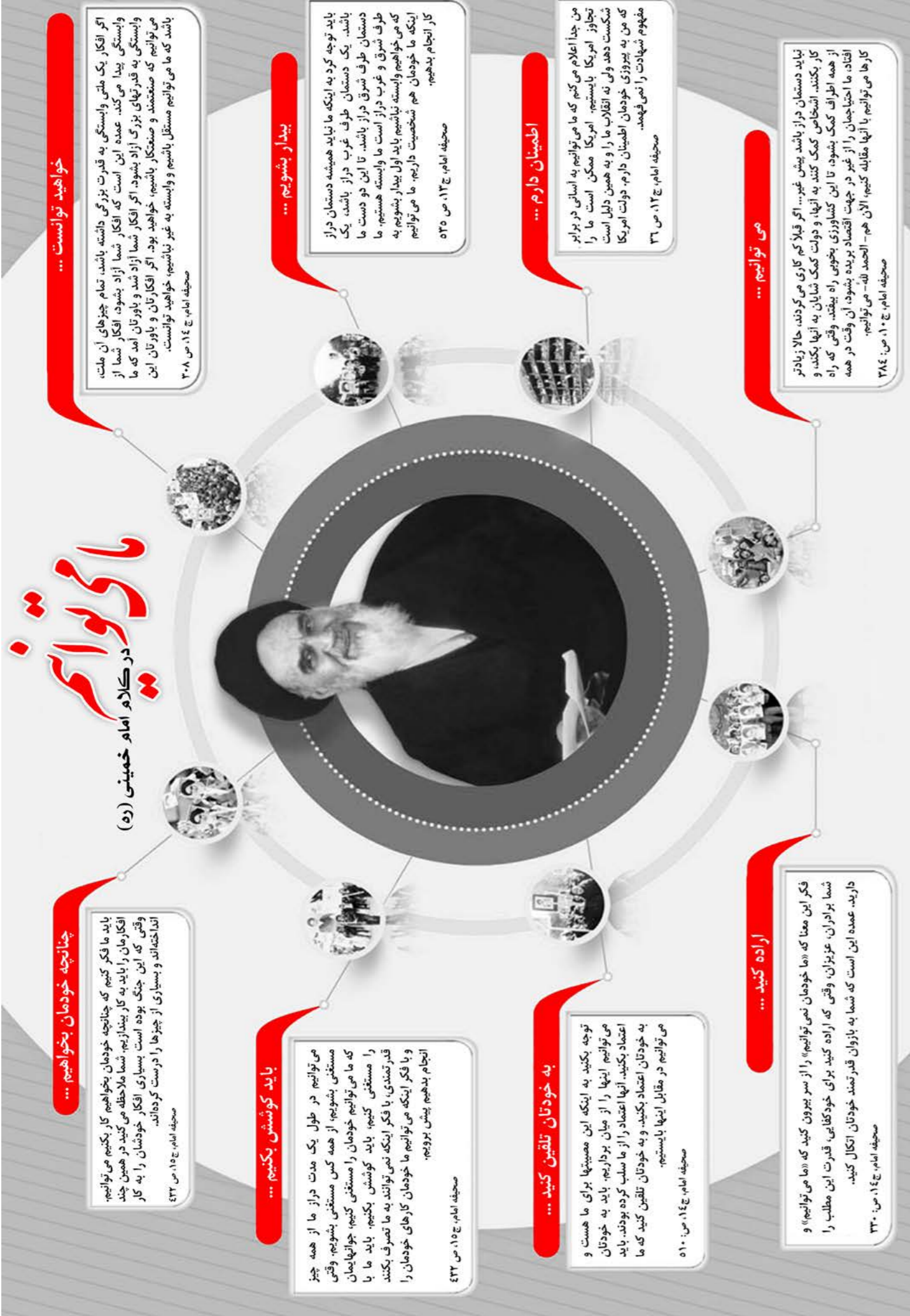
کلامت را برای خواسته‌ها گلچین می‌کنم و اگر خیلی همت داشته باشم یک باری صفحات مکتوب به یادگار مانده‌ی کلام و نامه‌هایت را تورقی خواهم زد. باز به دلم نمی‌چسبد. مشکل کجاست که من تو را نمی‌فهمم؟

دنیای بی‌خینی



خدا می‌داند که در طول این ده‌سال، فکر چنین روزی، همیشه دل ما را لرزاند. نمی‌دانستیم دنیای بدون «خمینی» چگونه قابل تحمل است. به همین خاطر، چندین بار به ایشان عرض کردم: دعای بزرگ من در پیشگاه خدا این است که من قبل از شما بمیرم. در همان روز تلخ که حال امام مساعد نبود، من جمعی از اعضای شورای بازنگری قانون اساسی را دعوت کردم و به آن‌ها گفتم که حال امام خوب نیست؛ کار بازنگری را قدری تسریع کنیم و مؤده‌ی اتمام آن را به ایشان در بیمارستان بدهیم تا دل امام شاد شود. واقعاً از تصور آن چیزی که ممکن بود پیش آید، قلب من می‌لرزید؛ صدایم شکست و نتوانستم حرفم را تمام کنم...
سخنرانی در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۰۳/۱۷

ما که تو را نمی‌فهمیم



این سرمشق امام نبود!

آن چه در ژنو گذشت با فرهنگمان چه می‌کند؟



نمی‌توانستیم بسازیم یا بخریم نه امروز که سگ نگهبان آمریکایی‌ها در منطقه می‌تواند ما را امتحان کند و پرواز سجیل‌های فرزندان روح الله را از ایران سرفراز ببیند و مثل جنگ هشت‌روزه غزه در جوی‌ها پناه بگیرد! امروز باز هم باید ما می‌توانیم را فریاد کنیم... به یاد فتح خرمشهر بیفتیم، آن روزها به تنهایی در مقابل ۵۰+۱ ایستادیم و ما می‌توانیم گفتیم و به جوانان اعتماد کردیم و توانستیم... امروز هم قدرتمندتریم و هم تنها نیستیم. امروز هم می‌توانیم... ما فرزندان روح الله هستیم!

زمانی می‌افتد که ایرانی‌ها باورشان شده بود لوله‌نگ هم نمی‌توانند بسازند. بلکه آن چیزی که این روزها مغفول مانده پیوست فرهنگی قضیه هسته‌ای است. باور به اینکه ما نمی‌توانیم! باوری که سلامت اقتصاد ایران را در لبخند وزیر خارجه آمریکا می‌داند و بیماری‌اش را در اخم او. اخم درماندگانی که سی و پنج سال است تمام قد با تحریم، هجمه نظامی، ترور مردم و بزرگان این ملت، تلاش برای تجزیه و... کوشیده‌اند ما را از همان راه که آمدیم برگردانند و نتوانستند. روزهایی تلاششان به در بسته خورد که ما سیم‌خاردار هم

اسم احمدی روشن، استقلال ملی، هسته‌ای، بیماران سرطانی محتاج به رادیو داروها و... را نمی‌آورد، به جایش می‌رفتند چند برگ عکس جرج واشنگتن بخردند که فردا دوباره وقتی گران شد بفروشد... بگذریم... آن سال حماسه سیاسی محقق شد! سوال این جاست که چرا در سال فرهنگ کسی به این فکر نمی‌افتد که این روزها مساله هسته‌ای چه بر سر فرهنگ ما آورده است؟ روزهایی را یادمان است که امام عزیزمان بر فراز سکوی ساده و محقر جماران ما «می‌توانیم» را در گوش جهان فریاد می‌زد و امروز را که نگاه می‌کنی می‌بینی خیلی‌ها باور ندارند که بشود بدون آمریکایی‌ها به جایی رسید. خبر توافق با غرب از پیشرفت‌های داخلی خوشحال‌ترشان می‌کند و گاهی اصلا باور نمی‌کنند و می‌گویند مگر می‌شود؟ آدم یاد

یکی از روزهای دی ماه سال حماسه سیاسی بود که فلاش دوربین‌ها به کار افتاد و عکس‌های یادگاری معروف انداخته شد. از اولین دقایقی که زمزمه‌ها بر به نتیجه رسیدن مذاکرات ژنو آغاز شد تا امروز که این نوشته را می‌خوانید سخن‌های فراوانی پیرامون آن چهار صفحه‌ای که حاصل آن روزها بود و بعدها به توافق ژنو معروف شد گفته شده است. کسانی نگران بودند که دُرّ غلطان را دادیم و آب نبات هم نگرفتیم و کسانی با خوش‌خیالی جشن پیروزی بر مستکبرین را با قفل کردن درب محل کار احمدی روشن‌ها گرفتند. نخ تسبیح نگرانی‌ها معلوم بود. آن روزها بین مردم، در دانشگاه‌ها و... صحبت از «فناوری هسته‌ای» بود. چهار راه استانبول تهران، راسته دلار فروش‌ها اما آن روزها بحثی دیگر بود. هیچ کس

«ادامه از صفحه ۱»

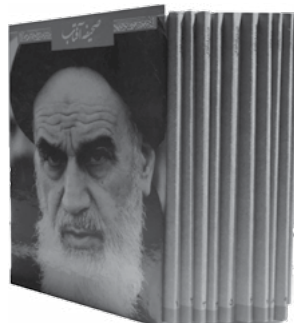
دسر غذای‌شان کمتر شود لب به عجز و ناله گشوده و ضحیه ذلیلانه برای زانو زدن در برابر دشمن برآورده‌اند. تحریم‌ها قطعا بر اقتصاد ما اثر گذاشته‌اند و اداره مملکت را با مشکلاتی مواجه کرده‌اند، اما گویا بیش از اقتصاد بر ایمان برخی موثر بوده‌اند.

این‌ها همه حرف‌های تکراری و همیشگی ما بوده است؛ اما اتفاق جدیدی که رخ داده وادادگی برخی از خدا بی‌خبران و تفاله‌های امریکا و پشیمانان مبارزه با استکبار در داخل کشور است. این‌ها ناجوانمردانه تلاش دارند نقش موریانه را در بنیان مرصوص انقلاب بازی کنند و اصل انقلاب را تحریف و قلب ماهیت کنند. کسی امام(ره) را خواب می‌بیند، دیگری خاطرات مضحک و کودکانه می‌سازد. دیگری در شبکه‌های اجتماعی خزعبلاتی را به امام(ره) نسبت می‌دهد و هر ضعیفی به زعم خود تلاش می‌کند موریانه‌ای باشد که کاخ سلیمان را ویران می‌کند. تلاش‌ها برای تحریف اندیشه و راه امام(ره) و به تبع آن انقلاب اسلامی در این چند ماه اوج گرفته و حالا نوبت ما است که مشت کوبنده خود را نثار دهان یاهوگوی اینان و شیطان بزرگ بکنیم. شاید صدای «مرگ بر امریکا»ی ما برخی به خواب رفتگان را بیدار کند.

از دشمن هم جز دشمنی توقع نداشته و نداریم. آن‌ها برای سد کردن راه این سیل خروشان از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند. طبیعتا اولین و مهم‌ترین ابزار مستکبرین دنیاطلب، «تحریم اقتصادی» است. تا آن‌جا که توانسته‌اند بر «ملت رمضان» فشار آورده‌اند و فرزندان محرم را به بستن شریعه فرات و به پا کردن کربلای دیگر تهدید کرده‌اند. امام راحل پاسخ همه این فشارها را چنین می‌دهند: «چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می‌آورد، ولی هیچ‌کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیاوی امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت»

طبقه مستضعف که آماج حملات و فشارهای اقتصادی مستکبران بوده، از همان ابتدای انقلاب صبر کرده و حتی یک مورد لب به اعتراض به نظام مقدس اسلامی نگشوده‌اند. اما یاللعجب از برخی شکم‌های پر و فربه که از خیال این‌که

چند جرعه از چشبه اندیشه روح خدا



«صحیفه‌ی آفتاب» مجموعه‌ی گزیده‌ی ۱۰ جلد اول صحیفه‌ی امام، توسط بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تهیه شده است. این مجموعه می‌تواند شروع خوبی برای آشنایی بیشتر با سخنان و اندیشه‌های حضرت امام باشد.

برای تهیه‌ی این مجموعه می‌توانید از طریق رایانامه‌ی حیات به نشانی: hayatmag.isu@gmail.com یا شماره تلفن حیات ۰۹۱۰۸۵۹۱۸۹۷ اقدام نمایید.

فتح؛ ویژه‌نامه سالروز رحلت حضرت روح الله

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: سید محمدحسین هاشمی گلپایگانی / جانشین مدیرمسئول و سردبیر: محسن فیضی پور

باتشکر از: عبدالحمید بیات، مصطفی حضوری، محسن سعیدی، محمد مهدی کریم‌پور

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

www.basijisu.ir

hayat.basijisu.com

hayatmag.isu@gmail.com

سایت نشریه دانشجویی حیات
رایانامه حیات

منتظر نظرات و پیشنهادات شما هستیم!